



## بریتانیا؛ بحران مشروعیت شوالیه‌ها و شارلاتان‌ها

فواد عبداللہی

بلاخره دیروز بوریسن جانسون نخست‌وزیر بریتانیا در جلسه پرسش و پاسخ پارلمان این کشور به جرم زیرپا گذاشتن قوانین و محدودیت‌های دوران قرنطینه در یک میهمانی در دفتر رسمی نخست‌وزیری، زیر فشار افکار عمومی مجبور به عذرخواهی شد و همراه با خود مشروعیت حزب محافظه‌کار و اتوریته سیاسی دمکراسی پارلمانی در انگلستان را بیش از پیش خدشه‌دار کرد. جانسون علاوه بر لیستی طویل از دروغ‌ها و کلاهبرداری‌ها که در طی مدت زمان نخست‌وزیری‌اش تاکنون به ثبت رسیده است اما بیش از هر چیز گویای ظرفیت خوار حزب محافظه‌کار و علی‌الخصوص بی‌پاسخی دولت انگلیس به توقعات اقتصادی و رفاهی میلیون‌ها شهروند بوده است. ... صفحه ۲

## به زندانیان سیاسی! (اسرای در بند جنگ طبقاتی)

مظفر محمدی

دوستان و رفقا!  
جامعه‌ی بپا خاسته ایران می‌داند در اسارت جمهوری اسلامی بر شما چه می‌گذرد. جامعه می‌داند چه بر کشته شدگان گذشت، ایستادگی شما در اسارت یک نظام سرپا فاسد و قاتل را همه می‌شنوند و می‌بینند. ما می‌دانیم که این رژیم در ضمن نگه داشتن شما در اسارت و زیرسایه تهدید و تحقیر و شکنجه، اما از شما می‌ترسد.



دوستان!  
در ایران یک جنگ طبقاتی بوسعت جامعه در جریان است و زندانیان سیاسی اسرای این جنگ اند. ... صفحه ۳

## اسامی نمایندگان کنگره دهم حزب

نامه سرگشاده به ابراهیم علیزاده،

رهبری گومه‌له

جهان را بشورانیم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)  
hekmatist.com

حکمتیست هستگی ۳۹۱

۱۳ ژانویه ۲۰۲۱ - ۲۳ دیماه ۱۴۰۰



## پخش برنامه های نینا از کانال یک

برنامه های نینا هر سه شنبه راس ساعت  
۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در  
شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:  
Yahsat IA  
12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A  
10721 افقی 22000

## پخش برنامه های نینا از رادیو طول موج کوتاه

برنامه های نینا هر جمعه راس ساعت ۹ شب  
به وقت تهران از طریق رادیو طول موج کوتاه  
پخش می‌شود.

مشخصات موج کوتاه رادیو:  
SW 5910

آزادی برابری حکومت کارگری

پریبراهه نیست که حتی «هاردکور»های حزب محافظه کار و رسانه‌های دست راستی کم‌کم از وی فاصله می‌گیرند و در صدد تنظیم لایحه سلب صلاحیت وی از مقام نخست‌وزیری به کمیسیون مجلس هستند. خودشان هم می‌دانند که حمایت از جانسون بیش از این میسر نیست و مهمتر از همه، می‌تواند بازی بورژوازی انگلیس با آتش خشم بیکران محرومان از کل ساختار دموکراسی پارلمانی باشد. جانسون به اندازه کافی بنیادهای سیاسی و اخلاقی دموکراسی پارلمانی و مقدسات آن را نزد شهروند انگلیسی زیر سوال برده و از اعتبار ساقط کرده است. هشدار رسانه‌های طرفدار سیستم گویای این واقعیت «خطر» است که پدیده جانسون برای پاسداری از ساختار در مقابل شهروندان، کارکردش را از دست داده است و ادامه آن می‌تواند چاشنی دامن‌زدن به یک رادیکالیسم چپ و ساختارشکن در خارج از محدوده پارلمان باشد. رادیکالیسمی که دیگر هیچ بدهکاری به مقدسات دموکراسی پارلمانی و احزاب اصلی آن ندارد.

اگر تونی بلر «قهرمان» بورژوازی بریتانیا در حمله نظامی به عراق و کشتار و آوارگی میلیون‌ها انسان بود و همین‌چندی پیش نشان «شوالیه» را از ملکه انگلستان به نمایندگی از دولت و کل جناح‌های حاکمیت دریافت کرد، اما جانسون ظاهراً قربانی بارگاه مقدسات این بورژوازی است. اگر بلر در افکار عمومی مردم بریتانیا یک جنایتکار جنگی، مهره سوخته ساختار و سمبل شکست محسوب می‌شود، جانسون اما نماد شارلاتانیسم، خواری و به سخره گرفتن هر آنچه است که بویی از شهرنشینی برده باشد. این موقعیت متزلزل هیئت حاکمه انگلیس و هر دو حزب اصلی آن یعنی حزب محافظه‌کار و حزب لیبر در برابر شهروندان‌شان می‌باشد که اینبار در آینه به شکل تصویر دلچسپ‌تری پیکر به نام جانسون، امید واهی به احیای گذشته و مهره‌های سوخته ساختار مانند تونی بلر و مقدسات خود دارد.

بدون شک موقعیت داغان جانسون بازتاب موقعیت مستاصل حاکمیت دموکراسی پارلمانی و احزاب آن در بریتانیا است. جانسون همچون غده عفونی ترامپ محصول یک ایستگاه مشخص در کارکرد دموکراسی غربی یعنی بن‌بست الگوی حاکمیت دموکراسی پارلمانی بعد از جنگ سرد است. عدم اعتماد شهروندان به کارکرد دولت، به احزاب اصلی و ساختار حاکمیت دموکراسی پارلمانی در غرب، دستمایه عروج کوتاه‌مدت دلقک‌ترین و پست‌ترین مهره‌های راست افراطی مانند ترامپ‌ها، جانسون‌ها و لوپن‌ها در حاشیه ساختار شد. امروز دیگر پته چنین شارلاتان‌هایی روی آب است. دموکراسی غربی با پارلمانش، با دولت‌ش، با نهادها و ارگان‌های حاکمیتش، با ارتش، پلیس، دادگاه و قانونش، با شوالیه‌ها و شارلاتان‌های همیشه در صحنه‌اش، در برابر شهروندان جوامع غربی سپر انداخته است. امروز مردم ایستگاه‌های «قانونی» طومارنویسی و اعتراض به حاکمان در جوامع غربی را پشت سر گذاشته‌اند؛ مردم از جنایتکاران جنگی مانند بوش‌ها و بلرها تا «سایکوپت»های راست افراطی مانند جانسون‌ها و ترامپ‌ها را دیده‌اند؛ مردم الگوی هر چهارسال یکبار رای دادن به این و آن حزب بورژوازی را تا مغز استخوان تجربه کرده‌اند و بدون کوچکترین تغییری در زندگی‌شان، با قطع بیشتر خدمات اجتماعی باز در بر همان پاشنه چرخیده است. مردم نهایت «حق» و «حقوق»‌شان را در نظام حاکم بر زندگی خود چشیده‌اند؛ مردم بردگی، بندگی و بی‌ارادگی خود را هر بار بعد از انتخاب این و آن مهره دموکراسی پارلمانی دیده‌اند. مردم متاخرترین شیوه حاکمیت و «پیشرفته‌ترین» نحوه استثمار انسان تحت نام «شغل» در نظام کاپیتالیستی را دیده‌اند. اینبار دموکراسی غربی به سلامت از پل می‌گذرد. شکست مدل اقتصاد بازار آزاد تنها راه فراری که برای نجات بورژوازی غرب پیش پا گذاشته است فرار به عقب و گذشته‌ای مرده است. اما بازگشت به گذشته مقدور نیست. جانسون تنها یکی از ناخداهای کشتی بی‌ناخدای نظام سرمایه‌داری در جهان ماست. آنچه بریتانیای امروز را از بریتانیای دیروز متمایز می‌کند، شرایط مساعد برای رشد و گسترش دامنه یک جنبش ساختارشکنانه چپ و شورایی است. جنبشی که مطلوبیت و اراده خود را نه در پارلمان و در میان احزاب بورژوازی بلکه از فریاد میلیون‌ها شهروند عاصی می‌گیرد که دست رد به سینه مشروعیت سیاسی و اخلاقی دموکراسی پارلمانی زده‌اند. تغییرات مهمی در صف‌بندی‌های سیاسی در جهان امروز جریان دارد. یک رکن مهم آن جنبش سوسیالیستی است که به تخصصات در بالا بیشتر بعنوان ابزار نگاه می‌کند. جنبشی که همچون انقلاب کارگری اکتبر ۱۹۱۷ تاریخا نشان داده که با تکیه بر اعمال اراده طبقه کارگر و مردم، سر بزنگاه می‌تواند کشتی ساختار را واژگون کند.

## اسامی نمایندگان کنگره دهم حزب

### حکمتیست (خط رسمی)

### به ترتیب حروف الفبا

- |                     |                    |
|---------------------|--------------------|
| ۱- ابراهیم هوشنگی   | ۳۰- ژیلآ آوانسیان  |
| ۲- احمد بهزاد مطلق  | ۳۱- سارا مرادی     |
| ۳- آسو سهامی        | ۳۲- سعید محمدی     |
| ۴- اسماعیل زندگی    | ۳۳- سهند حسینی     |
| ۵- آذر مدرسی        | ۳۴- سیوان رضایی    |
| ۶- آرام خوانچه زر   | ۳۵- سونیا محمدی    |
| ۷- آزاد کریمی       | ۳۶- شروین موحد     |
| ۸- آزیتا رهنما      | ۳۷- شها رضایی      |
| ۹- اسد کوشا         | ۳۸- علی خیری       |
| ۱۰- آسو فتوحی       | ۳۹- فرید زرغام     |
| ۱۱- امان کفا        | ۴۰- فواد عبداللهی  |
| ۱۲- بابک امانی      | ۴۱- قادر محمدپور   |
| ۱۳- بختیار پیروختری | ۴۲- کامیل همتی     |
| ۱۴- بنفشه توکلیان   | ۴۳- کریم خضری      |
| ۱۵- بهروز مدرسی     | ۴۴- کوشا بهروش     |
| ۱۶- پرویز وکیلی     | ۴۵- لادن داور      |
| ۱۷- پیمان حسینی     | ۴۶- لاله زندگی     |
| ۱۸- ثریا شهابی      | ۴۷- ماز یارهوشیار  |
| ۱۹- جاوید اعتمادی   | ۴۸- محمد راستی     |
| ۲۰- جمال پیرخضران   | ۴۹- محمد فتاحی     |
| ۲۱- جمیل نظرگاهی    | ۵۰- مظفر محمدی     |
| ۲۲- حامد جهانگیری   | ۵۱- مونا شاد       |
| ۲۳- حبیب عبداللهی   | ۵۲- نسترن حسینی    |
| ۲۴- حسین مرادی      | ۵۳- وریا نقشبندی   |
| ۲۵- خالد حاج محمدی  | ۵۴- هدیه ساعی      |
| ۲۶- خسرو موسوی      | ۵۵- هساره ابراهیمی |
| ۲۷- رامین هدایت     | ۵۶- هیمن خاکی      |
| ۲۸- رعنا کریم زاده  | ۵۷- یاسمن حسینی    |
| ۲۹- ژیان منوچهری    |                    |

**امروز روزیست که هر کارگر و انسان آزاده و معترضی در جامعه ایران برای هر قدم پیشروی خود و خنثی‌کردن نقشه‌های شوم حاکمیت دست به ایجاد مجامع عمومی، به شوراهای گارگری و مردمی در محل کار و زیست می‌زند و به این مکانیسم‌های اجتماعی متکی می‌شود؛ نیاز شهروندان جامعه ایران به ابزار اعمال اراده خود در مقابل حاکمیت و در عین حال قابلیت دفاع از خود را در اعتراضات اخیر مردم و در اعتراضات سازمان‌یافته معلمان باید دید. کیفرخواست معلمان از امروز به بعد بر پیشانی این حاکمیت تا به‌گور سپردن آن نوشته شده است. آزادی، برابری، رفاه، منزلت، برخورداری از بهترین و پیشرفته‌ترین نعمات مادی و در یک کلام تقسیم ثروت تنها با رفتن این نظام و تنها با برقراری حاکمیت شورایی میسر است.**

**بیانیه حقوق جماعتمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شورای است**

کشته شدگان ما تا امروز و زنده هایمان در زندان، سربازان صف مقدم این جنگ نابرابر بوده و هستند.

در جنگ طبقاتی و مبارزه برای آزادی، دستگیری و زندانی کردن مبارزین، به معنای اسیر گرفتن در میدان جنگ است. جامعه آگاه ما تا روزی که درب زندان ها با یک قیام توده ای شکسته و باز می شوند، تلاش برای باز پس گرفتن اسرایمان از زندان ها را حتی یک روز هم فراموش نمی کند. از نوجوانی که بخاطر یک بسته شیرینی برای اسیر کردن شکم خواهر و برادرانش در سوپر مارکت دستگیر و زندانی می شود تا کارگری که برای دستمزد مکفی و معوقه و برای تشکیل مستقلش می جنگد، تا معلمی که می خواهد شکم خانواده اش سیر باشد و بتواند در آرامش و امنیت معیشتی کار و زندگی کند، تا زن و دختری که نمی خواهد تن به ذلت و تحقیر و تبعیض بدهد، تا نویسنده، شاعر، هنرمند و جوانی که برای آزادی تلاش می کند، همه اسرای جنگ آزادی و برابری علیه سرمایه و سود و ستم و تبعیض و نابرابری اند.

این جنگ امروز نابرابر است. دشمن پول و اسلحه و میدیا و هر آنچه که متعلق به جامعه است را تصرف کرده و صاحب شده است. وقتی می پرسید چرا؟ میگویند ما دولتیستیم و شما به ما رای دادید. می گویند ما مالک جان و مال شمایم و شما برده ی ما. می گویند ما نماینده ی خدا و پیغمبر و امامان روی زمینیم و می خواهیم شما را با سبک زندگی عصر حصری در این دنیا، به زور به بهشت بفرستیم. ولی خود با زندگی لاکچری ظاهرآ تمایلی ندارند به بهشت موعودشان بروند.

آره، جنگ ما با دشمن تا به امروز نابرابر است. دشمن به نام دولت بخودش حق میدهد من و شما و هر معترضی به وضع فلاکتبار جامعه را اسیر کند و حتی بکشد. جنگ نابرابر است چرا که لشکر نظامیان، مزدوران و جاسوسان و قاضی ها و زندانیان و اسلحه، ابزارهای دست دشمن اند. ما حتی حق دفاع از خود را نداریم. سرمایه داران و صاحبان زر و زور عمده دار و بی عمده، نظامی و غیر نظامی لشکریان خدا و پیغمبران و امامانی هستند که خود ذره ای به آن ایمان ندارند. ولی به نام آن ها حکم قتل و کشتار صادر می کنند. حکم اسارت زن را صادر کرده اند. جمهوری اسلامی همان امارت شام و عراق «داعش» و همین امارت اسلامی افغانستان است. خمینی وین لادن و ابوبکر بغدادی ...، به نام امام و امیر...، جنایتکاران انباشت سرمایه و سود اند. پیغمبر و امام اسم رمز کسب قدرت و ثروت به زور چوبه های دار و شمشیرهای سر بریدن انسان و اهانت به شعور و حرمت زن که نصف جمعیت هر کشور و جهان را تشکیل میدهند، است. در پس شمشیر و تفنگ اسلامی و توطئه و ریا و خرافات این جانوران، منفعتی مادی غیر قابل وصف خفته است. جنگ های ایران، افغانستان، عراق، سوریه، لبنان و غیره جنگ صاحبان زر و زور با اکثریت عظیم کارگران و زحمتکشان است. جنگ سرمایه و سود علیه کارگر و کارکن های جامعه است.

اما این جنگ نابرابر برخلاف تخیلات و ارزشهای جنایتکاران، ازلی و ابدی نیست. جبهه ها عوض می شوند. مردم ایران پس از چهار دهه تلاش و مبارزه و تحمل فقر و فلاکت دارد نیروی خود را باور می کند. دارد نیروی خود را به میدان می آورد. نیرویی که از چند ده میلیون کارگر و زحمتکش و معلم و جوان و زن ستمدیده تشکیل شده است. در این جنگ و جدال طبقاتی و جدال انسانیت علیه زحالت و پستی و جهالت، توازن قوا تغییر کرده است.

زمان زورگویی و ایجاد ترس و رعب به پایان رسیده است. ورق برگشته و امروز یک نظام تا دندان مسلح از حضور یک مادر آبان می ترسد. حتی از گریه هایش می ترسد. زورگویی و ترس مال زمانی است که مردم به نیروی خود باور ندارند. مال زمانی است که دشمن فکر می کند مردم تسلیم اند و ساکتشان کرده است. اما امروز در درون و اعماق جامعه و زیر پوست شهرها و کارخانه ها و مدارس و حتی در زندان ها، طوفانی از مبارزه و تلاش برای آزادی و زندگی بر پا است.

امروز زمانی است که مردم به این نمایندگان خدا و صاحبان زر و زور می گویند غلط می کنید بجای ما تصمیم می گیرید. غلط می کنید به زنان و دختران جامعه تعیین تکلیف می کنید که چه بپوشند. غلط می کنید به ما تحمیل می کنید چه بخوریم و چه بنوشیم و چگونه از زندگی لذت ببریم. غلط می کنید داراییهای مملکت را در منطقه به حراج می گذارید و لشکرها مزدور نیابتی درست می کنید. غلط می کنید به ضرب تفنگ و شکنجه و اعدام خود را مالک و ما را برده تصور می کنید...

امروز مردم ایران فقط نان سفره و سهم کوچکی از تولید و معادن و منابع و مسکن نمی خواهند. استراتژی مبارزه طبقاتی و خیزش های اجتماعی گرفتن تمام داراییهای جامعه از دشمن است. مردم از نظام ستم و سرکوب چپاولگر داراییهای جامعه، انتظار عدالت و برابری ندارد. مردم می خواهد با دستان خود، جامعه عادلانه، انسانی، آزاد و برابر بسازد. سران نظام پلید سرمایه و دین اسرای ما را در زندان ها شکنجه می کنند، به مرگ تدریجی محکوم و یا اعدام میکنند و فکر

می کنند عدالتخواهی و برابری طلبی در جامعه را کشته اند. نه، این واقعیت ندارد. صدای آزادیخواهانه ی شما در زندان ها، خود یک دلیل بر صحت این شرایط است.

وحوش سرمایه و دین خود به روشنی می دانند که اگر فقط برای بیست و چهار ساعت و نه بیشتر سایه ی تفنگ و شلاق و زندان را از روی سر جامعه بر دارند و لشکر وحوش سازمانیافته در سپاه و بسیج و قاضی و وکیل و وزیر فقط یک روز مرخص شوند، فقط بیست و چهار ساعت جامعه را به حال خود رها کنند، انوقت خواهند دید با چه واقعیتی روبرو خواهند شد. با چشمان از حدقه در آمده خواهند دید که بردگان تا امروز اربابان جامعه خودشان هستند. خواهند دید که هر کارگر شهرداری بهتر از شهردار هر شهر و هر کارگر صنعتی بهتر و فهمیده تر از رییس جمهورشان است. خواهند دید که حکومت و قدرت در سایه تفنگ و پول و زور دوام ندارد.

زورگویی جمهوری اسلامی و به گرو گرفتن نان و آزادی و معیشت مردم، برای بشریت جهان امروز ننگ و عار است. حکام نظامی به نام جمهوری اسلامی نه وجدان دارد؛ نه شرف و فقط صاحب یک مغز معیوب و حریص و طمعکار و دزد اند. یک خیل انگل مفتخور و ریاکار و بی شرم و آبرو هستند. این مفتخوران دزد همچون برادران طالبانسان، لیاقت و توانایی اداره یک گله گوسفند را ندارند تا چه رسد به اداره یک جامعه انهم در قرن بیست و یکم. افغانستان امروز کپی برابر اصل جمهوری اسلامی است. از یک قماشند.

دوستان!

جامعه ی بپا خاسته از کارخانه ها تا مدارس و شهرها و در زندان ها به جمهوری اسلامی اعلام کرده است که دیگر زمان ترس تمام شده و امروز نوبت شما است که بترسید. ما این جنگ را تا آخر و تا پیروزی ادامه می دهیم. چاره دیگری نداریم. راه وسطی برای ما وجود ندارد. نمی توانیم خفقان بگیریم، ساکت شویم، تن به قضا و رضای شما بدهیم و در فقر و گرسنگی و فلاکت تلف شویم و بیماران ما از بی دارویی بمیرند. و این پیام شما هم از زندان ها است.

مردم مصمانه به رژیم جرم و جنایت اعلام کرده است که برای نجات جامعه تا به آخر خواهد جنگید. مردم به رژیم صاحب اسلحه و زور و زندان می گوید، شما نزدیک نیم قرن با زور اسلحه و قاضی و دادگاه و زندان و اعدام، دوام آوردید. این زندگی نه برای شما دیگر قابل دوام است و نه برای ما. شما دیگر نمی توانید مثل سابق با ما رفتار کنید. و ما هم دیگر نمی توانیم مثل سابق تن به تسلیم به شما بسپاریم.

جبهه های جنگ تغییر کرده است. ما سنگرهای جدیدی درست کردیم. در مقابل پلیس و اسلحه و دادگاه و شکنجه ی حاکمان مجرم، در سنگر اعتصاب در کارخانه ها، سنگر اعتراض در خیابان ها، سنگر آگاهی و سنگر بزرگ اتحاد و همبستگی به وسعت جامعه ایستادیم. دشمنی که از قلم یک روشنفکر آزادیخواه می ترسد و می شکند و می کشد، دشمنی که از زبان سرخ یک دختر مبارز می ترسد، به پایان عمر خود رسیده است. مردم خشمگین و متنفر از دشمنی به نام جمهوری اسلامی هر گز نسل کشی دهه شصت، قتل های زنجیره ای، کشتار دی ماه و هزاران کشته ی آبان و کشتار مسافران هواپیمای موشک سپاه، شلاق زدن به پشت کارگر حق طلب... و شکنجه ها و ترورهای زندانیان را فراموش نمی کند. هر گز فراموش نمی کند. صدا و فریادهای «نه فراموش میکنیم و نه می بخشیم» هر روز از گورستان خاوران تا خیابان و میادین شهرها و در محل های کار و زندگی زنان و مردان، بر خاسته است.

جامعه مصمم به گرفتن تمام سهمش از داراییهای جامعه است. مردم سنگرهای جدیدی را کنده و بیشتر از هر زمانی آماده تعرض شده است. نه تنها در ایران در هر کجای خاورمیانه سنگرهای جمهوری اسلامی یکی پس از دیگری در حال فرو ریختن است. ما هر روز می بینیم که حصارهایی به نام محور مقاومت فرو می ریزند. در عراق در لبنان، در سوریه و هر جا که جمهوری اسلامی هست، با تنفر و خواست «دشمن برو گمشو» روبرو است. سهم تلاش و جنگ افروزی و خریدن نیروهای مزدور نیابتی در منطقه، امروز تف و نفرین و سیلی زدن به صورت رهبران نظامی است که می خواست خاورمیانه را تصرف و از کربلا تا شام را فتح کند. اما نصیب امروز اردنکی مردم بپا خاسته ی این کشورها است.

امروز نوبت ما است که حاکمان و دزدان و غارتگران اموال و داراییهای جامعه را به درک واصل کنیم. ما کمک می کنیم تا حکام جمهوری اسلامی به امامان شان در بهشت ملحق شوند و در کنار حوری های عظیم الجثه و جویبارهای شیر و عسل لذت ببرند. ما می گوییم اگر بهشت خوب است مال شما. ما بهشت خود را همینجا می سازیم. بهشت ما جامعه ای است که برای همه ی کودکان مهدکودک های پر از شادی و اسباب بازی هست. مدارس مکان آموزش پیشرفته ترین تولیدات علم بشر و جهانی است که می رود تا کبریا دیگر را فتح کند. ما دانشگاه هایی خواهیم داشت که کارگران کار یدی و فکری را برای پرخواندن چرخ های جامعه آموزش و پرورش می دهد... ما مملکتی می سازیم که هر عضو آن صاحب جامعه و صاحب سرزوش خود است.... ادامه در صفحه بعد



جامعه‌ی هشیار و بیدار و مبارز امروز، اسرایشان را در زندان‌ها فراموش نمی‌کنند. سپیده‌هایشان را فراموش نکرده‌اند. عیدی‌ها و حبیبی‌هایشان را فراموش نکرده‌اند. زخم شلاق بر پشت کارگر را فراموش نکرده‌اند. دورانی که کارگر حقوق معوقه‌اش را می‌خواست، شلاق می‌خورد تمام شده است. ما برای حاکمان ساقط شده شلاق و شکنجه نداریم. زمانی که مقاومت دشمن را در هم شکستیم و تفنگها را از او گرفتیم و خلع سلاح شان کردیم و مردمان جامعه‌ی سالم و عادل و انساندوست خود مسلح شوند، انوقت خواهند دید که دیگر دوران مفتخوری و انگلی شلن تمام شده و برای زندگی باید کار کنند. ما بودجه‌ی ای نداریم برای تن پروری و سفره‌های رنگین و کاخ‌های مجلل و مساجد و مراکز عظیم حوزه‌های علمیه و زندان‌ها و برای پرورش طلبه‌هایی صرف کنیم که مغزشان به سطل آشغال خرافات، ایده‌ها و تفکر عصر حجری تبدیل شده است.

ما جامعه‌ی ای می‌سازیم که همه کارگردان و کار می‌کنند و از نعمات جامعه‌ی از خدمات و آموزش و بهداشت و مسکن و تفریح بطور مساوی و عادلانه استفاده می‌کنند. ما بهشت مان را همینجا روی این کره خاکی و در سرزمینی به وسعت ایران می‌سازیم و الگویی برای بشریت در جهان. مرزهای مملکت آزاد ما به روی کسی بسته نیست. ما عدالت و برابری و آزادی بی قید و شرط را به جایی صادر نمی‌کنیم. ما الگویی و تصویری از زندگی انسانی برابر در مقابل جهانیان قرار می‌دهیم تا خود ببینند و انتخاب کنند. ما زرادخانه نظامی و ارتش حرفه‌ای برای جنگ با کسی نخواهیم داشت. به تعداد اعضای هشتاد - نود میلیونی بالای ۱۸ سال اسلحه خواهیم داشت. جامعه‌ای که همه مسلح است. این نیروی است که با هیچ سلاح پیشرفته نظامی جهان امروز قابل شکست دادن نیست. هیچ تانک و مپ افکن و پهباد و توپ و تانک و سازمان‌های مخفی و اطلاعاتی در مقابل جامعه‌ی آزاد و برابر و مسلح تاب مقاومت نخواهد داشت. این درس از قیام بردگان تا انقلابات تاریخی توده‌های تحت ستم به بشریت داده شده است. زرادخانه‌ی عظیم آمریکا و متحدینش نتوانست مردم انقلابی ویتنام را شکست بدهد که فقط سلاح فردی و تله‌های روی زمین و زیر زمین داشتند. قدر قدرت‌ترین دولت جهان در مقابل زنان و مردان ویتنام به زانو در آمد.

ما مهر شکست را بر پیشانی حکام سرمایه و دین جمهوری اسلامی زده و سرنوشت شان را به مجمع نمایندگان شوراهای مردمی می‌سپاریم. روزی که بیایند و در میدان انقلاب بگویند که بر سر این مردم چه آوردند و با این مردم چه کردند. ما دولت مافوق مردم نداریم. ما قانون مافوق جامعه نداریم. دولت ما، کنگره و مجمع نمایندگان شوراهای مردم اند. قانون ما، قانون زندگی شاد و مرفه و آزاد برای همه است. ما جامعه طبقاتی و تقسیم به کارگر و سرمایه دار نداریم. ما تقسیم جامعه به زن و مرد نداریم. ما تقسیم جامعه به این و آن قوم و مذهب و زبان و ملیت نداریم. تنها انسان بودن کافی است تا همه به یک اندازه از نعمات جامعه و از تولیدات و محصولات دست خود بهره‌مند شود. ما شاه و ملا و کشیش و پارلمان و مسجد و کلیسا نداریم.

در جامعه‌ی نوین ما جایی برای شغل پلید خرافه پراکنی و زندگی مفتخوری و انگلی، وجود نخواهد داشت. ریش و قیچی جامعه دست خود مردم است. در چنین جامعه‌ای تنها سرمایه داران هستند که بازنده‌اند. دیگر هیچ سرمایه‌ای، هیچ ملکی، هیچ کارخانه‌ای، هیچ مدرسه‌ای و هیچ مرکز بهداشت و درمانی در اختیار هیچ سرمایه‌دار خصوصی و یا دولت مافوق مردم نیست. همه این‌ها املاک جامعه‌اند. در جامعه‌ی آزاد و برابر و انسانی ما، سفره هیچ کسی خالی نیست، هیچ مریضی بی دارو نیست و هیچ فرد و خانواده‌ای بی مسکن نخواهد بود. یادمان هست خمینی وقتی با سلام و صلوات آوردنش گفت اب و برق و مسکن و حمل و نقل را مجانی می‌کند، به شرطی که به حاکمیتش رای بدهند. به جمهوری اسلامی بدون یک کلمه کم و یک کلمه زیاد رای بدهند. رای را هم گرفت ولی هیچ چیز مجانی نشد هیچ، بلکه در همان ده سال اول، جنایت دهه شصت را بوجود آورد. خاوران را درست کرد. کردستان را میلیتاریزه کرد و تا به امروز و هر روز زخمی تازه برجسم و روان ما زده است.

جامعه‌ی آزاد و برابر منتظر قیام و رهبر خودخوانده و شاه و اخوند و مذهب نیست. جامعه بر خاسته از انقلاب اتی ما دست اکثریتی است که در بیش از چهار دهه اخیر هیچ دخالتی در سرنوشت خود نداشته است. کنگره نمایندگان شوراهای مردمی از کارخانه تا محلات و شهرها و بخش‌های جامعه، رهبر و حاکم جامعه است، نه این و آن فرد یا این و آن حزب و فرقه و غیره. احزاب و تشکل‌های مافوق جامعه نداریم. احزابی که بخوانند از قوانین و منفعت جامعه توسط کنگره شوراهای مردم شانه خالی کنند یا امر و نهی کنند، دوام نخواهند آورد و توسط مردم به حاشیه رانده می‌شوند. احزاب و تشکل‌های گوناگون تنها در چهارچوب کنگره شوراهای مردمی می‌توانند برنامه و نقشه و ایده‌هایشان را که در جهت آزادی و برابری باشد روی میز بگذارند و لا غیر.

ما میخواهیم جامعه را زیر و رو کنیم و طرحی نو بسازیم. طرح جامعه‌ی آزادی و برابر. شکی نیست کارگران کمونیست و پیروان مردم در درون شوراهای محلی و مجمع و کنگره شوراهای از پیروان ساختن جامعه‌ی آزاد و برابر و سوسیالیستی هستند.

ما دشمنانی هم چه در درون و چه بیرون، خواهیم داشت. مسلما جبهه انقلاب، مخالفان نه چندان کمی را در مقابل خواهد داشت. پیشامان از انقلاب ۵۷ تا خیل طرفداران حفظ نظام سرمایه دارانه از فرشرگرد تا سلطنت طلبان و دموکراسی خواهان، بانده مجاهدین، ناسیونالیست‌ها و قوم پرستان منطقه‌ای و لیبرال‌ها همگی از انقلاب پایینی‌ها به رهبری طبقه کارگر و کارگران کمونیست، بیشتر از جمهوری اسلامی می‌ترسند. هر گونه تظاهر طیف راست به همسویی با کارگران و زحمتکشان و زنان و مردان و جوانان انقلابی فقط و فقط برای دستیابی به گوشه لحاف قدرت و یا تصرف قدرت از بالا با زور سلاح و پشتیبانی احزاب و دول مرتجع است. آویزان شدن جبهه‌ی راست به مبارزات کارگری و خیزش‌های زحمتکشان نمی‌تواند و نباید در میان توده‌های مردم وجهه‌ای کسب کند. این‌ها در پیروزی طبقه کارگر و زحمتکشان شریک نیستند. این‌ها از همان روز اول نشانه‌های کسب قدرت از جانب انقلابیون کارگر و زحمتکش و زن و جوان، در مقابلش می‌ایستند. و این زمانی است که نقاب از چهره بر می‌دارند و اهداف پلید شان که تصرف قدرت از ورای سر مردم و سودای حفظ نظام تبعیض و ستم واستثمار است، بر ملا می‌شود. جبهه انقلاب از همین امروز باید این نقاب را از چهره شان بر داشته و ماهیت ضد انقلابی شان را افشا کند. هر گونه توهم به انقلاب «همه با همی» برای طبقه کارگر و اکثریت محرومان جامعه مرگبار است. نباید گذاشت انقلاب ۵۷ دیگری تکرار شود. طبقه کارگر آگاه نباید مطلقا به دخالت و شرکت همه باهمی در جنبش سرنگونی، امید داشته باشد. توده‌های انقلابی، بدون آوانس دادن به بورژوازی جدید و بطور کلی جناح راست و بورژوازی، ظرفیت چند ده میلیونی برای سازماندهی قدرت از پایین را دارد! قدرت و اراده جمعی و توده‌ای مردم در شوراهای محلی و سراسری می‌تواند در مقابل هر دشمنی بایستد و هر نقشه بدخواهانه و هر توطئه‌ای را خنثی کند.

دوستان!

شما زندانیان و اسرای دربند فقط اعضای خانواده‌هایتان نیستید، اعضای جامعه هشتاد میلیونی هستید. دورانی که جمهوری اسلامی اعضایی از جامعه را تنها و محبوس و پشت میله‌ها و در زیرزمین‌ها و انفرادی‌ها، به زنجیر می‌کشید و فکر می‌کرد جامعه را می‌ترساند و ساکت می‌کند و تصور می‌کرد در بیرون خیری نیست، تمام شده است. شما صدها و هزاران انسان ازادخواه دربند، اسرای جنگی به وسعت ایران علیه رژیمی به غایت جنایتکار و ضد انسان و ضد زن و ضد کارگری. شما ازادخواهان در بند، سربازان صف مقدم این جبهه اید.

مادران خاوران، مادران آبان، مادران انقلابیون مسلح کردستان، خانواده مسافرین هواپیمای سرنگون شده با موشک سپاه و هزاران اسیر دیگر از کارگران و معلمان و زنان و جوانان؛ اعضا و بخشهایی جدا از جامعه نیستند. زخم بر قلب و نشان زخم بر تن و قلب کل جامعه است. زمانی که در میدان انقلاب تهران و میادین شهرهای ایران، سرود پیروزی را نواختیم نزدیک است. و آن زمانی است که بشریت آگاه جهان از زبان حاکمان جنایتکار شکست خورده، به عمق فاجعه‌ای که درست کردند و بلایی که سر مردم آوردند؛ بیشتر پی خواهند برد و در بهت فرو رفته و اشکهایشان را پاک خواهند کرد. آن وقت مردم جهان به فریاد‌های مردم انقلابی «نه فراموش می‌کنیم و نه می‌بخشیم» بیشتر پی خواهند برد.

پایان درد و رنج و فقر و فلاکت جامعه ما نزدیک است. ما سنگرهایمان را بیشتر و بیشتر می‌کنیم، ما نیروهایمان را بیشتر و بیشتر سازمان می‌دهیم. ما اتحاد صفوف خود را و همبستگی و همدلی‌هایمان را بیشتر و بیشتر می‌کنیم.

وعده‌ی ما به جمهوری اسلامی، آخرین سنگرهای میدان انقلاب تهران و میادین بزرگ شهرهای ایران است. و آن روزی است که در فرمایش مجمع و کنگره بزرگ شوراهای مردمی از نمایندگان کارگران، معلمان، زحمتکشان، زنان برابری طلب و جوانان آگاه در بزرگ‌ترین تالار تهران برپا می‌شود. ما صلح را به جهانیان هدیه می‌دهیم. انقلاب توده‌های زحمتکش در ایران برای صادر شدن به جایی نیست. ما در جهانی که بشریت در ارزی صلح و رفاه و آزادی و برابری است دور خود حصار نمی‌کشیم. جامعه‌ی آزاد و برابر و مرفه ما الگوی زندگی برای جهانیان، الگویی برای زندگی و انتخاب کارگران و زحمتکشان در هر کجای جهان خواهد بود.

دوستان!

شما در زندان‌های جمهوری اسلامی، علیه دشمن تا دندان مسلح در جنگ نابرابری هستید. شرایط سخت و نفس گیر شما هشدار به جامعه است که برای نجات اسرای جنگ ما با جمهوری اسلامی، نباید حتی یک روز تاخیر و درنگ کرد. مسلما خیلی‌ها هستند به این مساله فکر می‌کنند و رنج و درد می‌کشند. اما این کافی نیست. وقتی از خود می‌پرسیم سپیده‌قلیان و سپیده‌ها در چه شرایطی است و زندانبانان و شکنجه‌گران چگونه با او رفتار می‌کنند قلب انسان به درد می‌آید. اما این همدردی کافی نیست. از همین امروز و تا زمانی که درب زندان‌ها شکسته و باز می‌شوند، آزادی بی قید و شرط همه‌ی زندانیان سیاسی یکی از اولویتهای اول جامعه است!

نامه سرگشاده به ابراهیم علیزاده، رهبری کومه‌له

## مقابله با فضای مخاطره‌آمیز در اردوگاه

### کومه‌له وظیفه شما است

طی روزهای اخیر از طرف دبیرخانه کومه‌له، اقداماتی صورت گرفته است که برای ما بعنوان یکی از سازمان‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران، نگرانی جدی در مورد نحوه برخورد به اختلافات سیاسی در اردوگاه نظامی کومه‌له در کردستان عراق بوجود آورده است.

نامه سرگشاده ما، نه در مورد محتوای اختلافات سیاسی در حزب کمونیست ایران و کومه‌له و نه در مورد اختلاف سیاسی حزب ما با هریک از این جناح‌ها، که در مورد نگرانی ما از مخاطراتی است که مانع ایجاد و حفظ فضای سالم سیاسی در فضای اپوزیسیون ایران است.

اخیرا نامه‌ای از طرف دبیرخانه شما خطاب به اعضای کومه‌له، به بهانه ورود تعدادی از اعضا رهبری حزب کمونیست ایران به اردوگاه منتشر شده است که ضمن اشاره به وجود فضای متشنج میان پیشمرگان، مملو از تهدید به درگیری نظامی و همزمان به شدت تحریک آمیز است. نامه‌ای که ظاهرا برای «آرام» کردن اوضاع در یک اردوگاه نظامی نوشته شده است، بوی باروت می‌دهد!

مسئول دبیرخانه کومه‌له با ادبیاتی تهدید آمیز به راه افتادن اعتراض «خودجوش» میان پیشمرگان علیه حضور جمعی هفت نفره از جناح مقابل در اردوگاه اشاره می‌کند. ایشان در ادامه به نام کمیته رهبری کومه‌له با توجیه تلاش در «کاهش» تشنج در اردوگاه خواهان ترک اردوگاه از جانب این جمع است و مسئولیت عدم اجرای این «درخواست» و «اتفاقات» پس از آن را به عهده این جمع گذاشته است.

خواندن این نامه برای هر عنصر سیاسی و بی‌طرفی کمترین شبهه‌ای در مورد اینکه نامه دبیرخانه رسماً نه تنها وجود این فضای متشنج را بعنوان اهرم فشاری برای اخراج مخالفین سیاسی خود از اردوگاه بکار می‌برد، بلکه تلویحا بر آن سرمایه‌گذاری می‌کند، برجای نمی‌گذارد و این مایه تأسف عمیق هر نیروی سیاسی جدی و مسئولی است!

ما قویا از شما می‌خواهیم که در مورد حفظ سلامت مناسبات سیاسی در اردوگاه کومه‌له و جلوگیری از کمترین امکان مخاطره آمیز شدن فضای سیاسی در اردوگاه خود، مسئولیت بپذیرید و مانع تعمیق فضای متشنج و خارج شدن آن از کنترل و ایجاد هر نوع مخاطره جانی برای نیروی مستقر در اردوگاه شوید. طبیعتاً شما بعنوان رهبری کومه‌له در حفظ جان تک تک نیروی مستقر در اردوگاه، و بویژه مخالفین سیاسی خود، مسئولیت مستقیم دارید.

بی‌تردید هرگونه کم‌کاری در این زمینه و بی‌تفاوتی نسبت به آن و جلوگیری از فضای متشنج و مخاطره آمیز، نه تنها به سازمان شما که به فضای سیاسی کل اپوزیسیون صدمات جبران ناپذیری می‌تواند بزند، چنین فضایی مناسب‌ترین شرایط را برای هر باند جنایی و مافیایی در عراق و از جمله از طرف جمهوری اسلامی برای وارد کردن ضربه به اپوزیسیون را فراهم می‌کند.

کمیته رهبری حزب حکمیست (خط رسمی)

۱۰ ژانویه ۲۰۲۲ (۲۰ دیماه ۱۴۰۰)

## ایران را روی سرمان بگذاریم!

### جهان را بشورانیم!

کشتن بکتاش آبتین، یکی دیگر از زندانیان سیاسی، توسط حکومت اسلامی به موجی از اعتراضات وسیع در جامعه دامن زده است. زندان اوین در واکنش به این قتل حکومتی خروشید و با سر دادن «مرگ بر خامنه‌ای»، «مرگ بر جمهوری اسلامی» توسط زندانیان به لرزه درآمد!

اینبار صدای کیفرخواست مردم ایران از زندان‌ها و توسط مشت‌های گره کرده زندانیان سیاسی زمین را زیر پای حاکمان به لرزه درآورد. نامه جمعی از زندانیان سیاسی زندان گوهردشت در محکومیت قتل آبتین و محاکمه آمرین جمهوری اسلامی به همراه پیام‌های متعدد از جانب بخش‌های مختلف جامعه از کانون صنفی معلمان و خبرنگاران مستقل تا هفت‌تپه و سایر بخش‌های کارگری گویای این واقعیت است که یک همبستگی سراسری برای حق‌خواهی از داخل زندان‌ها تا بیرون زندان‌ها، میان زندانیان سیاسی و مردم تشنه آزادی و عدالت در شرف وقوع است. همزمان با به لرزه درآمدن زندان‌ها مراسم گسترده خاکسپاری آبتین با شعار «از سلطانیور تا آبتین، مرگ بر ظالمین» برگزار شد که همه حاکی از یک همبستگی توده‌ای برای محاکمه سران جمهوری اسلامی است.

جرم آبتین و هزاران انسان در سیاه‌چال‌های این نظام چه چیز جز آزادی ابراز عقیده، بیان و تشکل بوده است؟! جرم ده‌ها هزار انسان شریفی که چهل سال پیش برای آزادی و برابری انقلاب کردند و توسط ارتجاع خمینی و جریان اسلامی در برابر جوخه‌های اعدام و بر چوبه‌های دار در سراسر ایران جان باختند، جرم رهبران و فعالین اپوزیسیون که از قبرس تا برلین، سلیمانیه و اوین توسط گلوله اسلامی‌های تروریست اعزامی بخواک افتادند، جرم زنانی که برای گریختن از کابوس اسلام خودکشی کردند، جرم آنان که به جرم رابطه جنسی و عاشق شدن، فیلم دیدن و موسیقی شنیدن، کتاب خواندن و دوره‌می گرفتن تا سینه در خاک سنگسار شدند، جرم جوانان معترضی که از پشت بام‌ها به پایین هل داده شدند، قمه خوردند، معتاد و در گوشه خیابان مردند، جرم این مردم چه چیز جز کمی آزادی، کمی نفس کشیدن، کمی رفاه و خوشبختی بود؟! دست‌ان سران و سردمداران این نظام تا آرنج‌شان در خون مردم ایران است. این‌ها همه واگن‌های یک قطار چهل ساله از جنون و قتل‌عام مردم ایران است که نظام اسلامی نام دارد.

#### مردم آزاده!

سوت محاکمه سران این قطار مخوف جنایت را شما مردم آزادی‌خواه ایران از دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ به این سو زده‌اید. مردم، از زندانیان سیاسی و کارگران معادن، نفتی‌ها، فولادی‌ها، نیشکری‌ها، تا زنان، دانشجویان، معلمان و بازنشستگان علیه این حاکمیت اعلام جرم کرده‌اند. امروز روزی است که جنبش ما، جنبش محرومان ایران برای آزادی و برابری، از رئیس اداره کل زندان‌های ایران تا سران سه قوه را تک‌تک به اسم و رسم‌شان می‌شناسند. امروز جنبش ما میلیون‌ها شاهد برای محاکمه مشت‌ی جنایتکار اسلامی دارد. این را خودشان بهتر از هر کسی می‌دانند! بهتر از هر کسی می‌دانند که این مردم اجازه بر پا کردن جوخه‌های اعدام دهه ۶۰ را نمی‌دهند، که تره برای لمپن‌های اسلامی خورد نمی‌کنند، که این مردم «آس»‌ها و «سردار»‌های «ممتاز» این نظام را هو می‌کنند. همین دیروز بود که مجسمه «قهرمان برجسته» نظام، قاسم سلیمانی را مردم شهرکرد به آتش کشیدند. درست همانطور که مردم آلمان و ایتالیا بعد از جنگ جهانی دوم «قهرمانان» و نمادهای فاشیسم در شهرها و محلات خود را جارو کردند، مردم ایران در قرن ۲۱ پیش‌تاز محاکمه سران این نظام و دفن کردن فاشیسم اسلامی‌اند.

آنچه دادگاه نورنبرگ را به تاریخ معاصر ما در ایران مرتبط می‌کند همین حق‌خواهی مردم و همین کیفرخواست علیه حکومت عفونی اسلامی است. راه فراری برای سران این نظام متصور نیست. اگر فاشیسم اسلامی دیروز برای متوقف کردن تپش انقلابی در دهه ۶۰ متولد شد و از تهران تا اصفهان، سنج، گیلان، مازندران، تبریز و مشهد، در کارخانه و دانشگاه، مدرسه و محلات کار و زیست، مانع پیشروی مطالبات رفاهی و آزادی‌خواهانه مردم شد و انقلاب ۵۷ را به خون کشید، امروز اما «رستگاری اسلامی» آقایان در مقابل نسلی که از داخل زندان‌ها تا بیرون زندان‌ها در کمین محاکمه سران این نظام، تهران و کل ایران را روی سرش گذاشته است، تقلائی عبث است. جنبش ما، جنبش خلاصی از جمهوری اسلامی و برپایی اداره شورایی، جهان را علیه بانین وضع موجود می‌شوراند!

حزب حکمیست (خط رسمی)

۱۹ دیماه ۱۴۰۰ (۹ ژانویه ۲۰۲۲)

# زنده باد سوسالسیم!

hekmatist.com

یک دنیای بهتر



برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللهی

صدای آزادی، صدای برابری



نیانا

پخش برنامه‌های نیانا از کانال یک

برنامه‌های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat W1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

پخش برنامه‌های نیانا از رادیو طول موج کوتاه

برنامه‌های نیانا هر جمعه راس ساعت ۹ شب به وقت تهران از طریق رادیو طول موج کوتاه پخش می‌شود.

مشخصات موج کوتاه رادیو:

SW 5910

نیانا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena